



سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (2)

نویسنده: رنجبر، محسن

تاریخ :: تاریخ در آئینه پژوهش :: پاییز 1386 - شماره 15

از 53 تا 90

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/315603>

دانلود شده توسط : سید مرتضی حسینی

تاریخ دانلود : 1393/07/05 11:47:46

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

سیری در مکتب‌نویسی

و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر

(۱۷)

محسن رنجبر

پژوهش‌گر و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام

چکیده

پژوهش حاضر در دو مقطع کلی به شناسایی و معرفی مقاتل و نگاشته‌های مربوط به تاریخ عاشورا از آغاز تا عصر حاضر می‌پردازد. در مقطع نخست در دو بخش سامان یافته که در بخش اول آن به شناسایی و معرفی فهرست‌وار مقاتل از آغاز تا قرن هفتم پرداخته و در بخش دوم، آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم به صورت توصیفی معرفی شده است. اما مقطع دوم که درباره مقاتل و نگاشته‌های قرن هشتم تا چهاردهم است، نیز شامل دو بخش است. در بخش نخست، پس از بیان یک مقدمه، به شناسایی و معرفی چند اثر مهم از قرن هشتم تا عصر حاضر پرداخته و در بخش دوم مهم‌ترین آثار قرن‌های اخیر که نقش بسزایی در تحریف و ارائه گزارش نادرست و جعلی و در برخی موارد، افسانه‌ای، درباره قیام عاشورا داشته‌اند، شناسایی و معرفی شده است.

چنان‌که در شماره پیشین گفته شد، به سبب گستردگی این پژوهش، این نوشتار در سه قسمت، ارائه می‌شود. قسمت نخست آن که مربوط به مقطع نخست (از آغاز تا قرن هفتم و شامل دو بخش) است، در شماره پیشین چاپ شد و ادامه آن، یعنی قسمت

دوم، در این شماره به چاپ می‌رسد. اما قسمت سوم آن که مربوط به مقطع دوم است، در شماره بعدی به چاپ خواهد رسید.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، عاشورا، مقتل نگاری و قرن دوم تا هفتم.

اشاره

چنان‌که گفته شد، بخش دوم مقطع نخست، به معرفی توصیفی آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم، اختصاص دارد که به سبب طولانی بودن این بخش، ادامه آن در این شماره، به چاپ می‌رسد. و از هشتمین اثر آغاز می‌شود:

۸. تاریخ الرسل و الامم و الملوك، ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق)

طبری ذیل حوادث سال‌های ۶۰ و ۶۱ ق حوادثی را که منجر به واقعه عاشورا شد، شرح داده است. بخش بزرگ گزارش عاشورا در این اثر، مرهون گزارش‌های مقتل الحسین ابو مخنف است. وی این گزارش‌ها را به واسطه هشام بن محمد بن سائب کلبی، شاگرد ابو مخنف، از وی نقل کرده است. اسناد طبری در این باره چنین است: «قال هشام بن محمد عن ابی مخنف» یا «قال هشام، قال ابو مخنف» و یا «حدثت عن هشام، عن ابی مخنف...»^۱ افزون بر این، طبری از خود مقتل هشام نیز بهره بسیار برده و برخی گزارش‌ها را که هشام از غیر ابو مخنف نقل کرده، آورده است.^۲ در حقیقت، هشام همه کتاب یا بیشتر روایات ابو مخنف را با اضافاتی که از طرق دیگر داشته، به صورت کتابی تدوین و تنظیم کرده، آن‌گاه یک قرن بعد، طبری از آن بهره کامل برده است.

طبری گزارش‌های واقدی را نیز نادیده نگرفته است.^۳ هم‌چنین وی بر اساس روایت عمار دهنی، مطالبی از امام باقر علیه السلام در خصوص مرگ معاویه و بیعت خواهی

۱. طبری، تاریخ الرسل و الملوك، ج ۴، ص ۲۵۰، ۲۶۷، ۲۸۶، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۵۵ و ۳۵۷ - ۳۵۸.

۲. همان، ص ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۱۰، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۶ و ۳۵۸.

۳. همان، ص ۲۵۵ و ۲۹۶.

ولید بن عتبه (حاکم مدینه) از امام حسین علیه السلام تا بازگشت اهل بیت به مدینه و عزاداری بتی هاشم در این شهر، در دو بخش آورده^۱ که منبع مکتوب آن نامشخص است. طبری در بخش نخست نقل یاد شده، ابتدا گزارش واقعه را از ابتدا تا پایان شهادت مسلم بن عقیل به اختصار از عمار دهنی نقل کرده و سپس تفصیل آن را به نقل از ابو مخنف آورده است.^۲

مجموع گزارش‌های حادثه کربلا در تاریخ طبری با عنوان «استشهاد الحسین» با تحقیق سید جمیلی به ضمیمه رساله رأس الحسین ابن تیمیه چاپ شده است.^۳ هم‌چنین گزارش‌های طبری درباره قیام امام حسین علیه السلام به اهتمام حجت‌الله جودکی ترجمه و تصحیح و با عنوان قیام جاوید: گردانیده مقتل الحسین ابی مخنف چاپ شده است.^۴

۹. تاریخنامه طبری، ابوعلی بلعمی (قرن چهارم)

بلعمی، گزارش واقعه کربلا را با عنوان «خبر پادشاهی یزید بن معاویه» آغاز کرده و با گزارشی درباره فرستادن اسرای اهل بیت علیهم السلام به مدینه توسط یزید، پایان داده است.^۵ با آن‌که مشهور است که تاریخ بلعمی ترجمه فارسی تاریخ طبری است، اما چنان‌که متن این اثر خود گواه است با یک بررسی اجمالی، به سهولت می‌توان دریافت که این اثر، ترجمه تمام و دقیق گزارش‌های طبری نیست، بلکه ترجمه و برداشت اختصارگونه از تاریخ طبری همراه با افزوده‌هایی از سوی مترجم است. از این رو در همین بخش مورد بحث، یعنی گزارش قیام امام حسین علیه السلام، شاهد گزارش‌هایی هستیم که به هیچ رو در متن تاریخ طبری وجود ندارد، چنان‌که او مدعی است که امام حسین علیه السلام به پیشنهاد و ابتکار ابن عباس، مسلم بن عقیل را روانه کوفه

۱. ج ۴، ص ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۹۲ و ۲۹۴.

۲. همان، ص ۲۵۷ و ۲۶۰.

۳. بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۷ ق.

۴. چاپ اول: تهران مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.

۵. بلعمی، تاریخنامه طبری، ج ۴، ص ۶۹۸ - ۷۱۵.

کرد!^۱ یا سن طفل شیرخوار امام علیه السلام یک سال بوده^۲ یا بدن مطهر امام حسین علیه السلام بن سر و پلا^۱) به همراه دیگر شهدا، سه روز روی زمین کربلا افتاده بود^۳ و یا گزارش محل دفن امام حسین علیه السلام، حضرت علی اکبر و حضرت عباس را نگاشته است،^۴ حال آنکه چنین گزارش هایی را به هیچ رو نمی توان در تاریخ طبری یافت و تنها مورد آخر در گزارش شیخ مفید در الارشاد آمده است.^۵

نکته آخر آن که بخش مربوط به امام حسین علیه السلام از تاریخنامه طبری، به اضافه گزارش قیام مختار و خون خواهی وی از روی نسخه ای که از قرن ششم بر جای مانده، با عنوان قیام سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام و خون خواهی مختار چاپ شده است.^۶

۱۰. کتاب الفتوح؛ ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (م ۳۱۴ ق)^۷

ابن اعثم کوفی در کتابش با عنوان الفتوح به بیان حوادث تاریخ اسلام پس از رحلت پیامبر، به ویژه جنگ ها و فتوحات خلفا و حاکمان اسلامی بر اساس تسلسل زمانی حوادث، پرداخته است. وی به مناسبت بیان حوادث سال ۶۰ و ۶۱ ق متناسب با ساختار کتاب خود، به نهضت عاشورا پرداخته است. به سبب اهمیت این حادثه، وی حدود ۱۵۷ صفحه (یعنی حدود یک دهم) از کتاب خود را به گزارش این حادثه اختصاص داده است. ابن اعثم گزارش قیام عاشورا را با عنوان «ابتداء أخبار مقتل مسلم بن عقيل و الحسين بن علی

۱. همان، ج ۴، ص ۶۹۹.

۲. همان، ص ۷۱۰.

۳. همان، ص ۷۱۲.

۴. همان.

۵. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۴.

۶. به کوشش محمد سرور مولایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ و نیز تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.

۷. حموی درباره او گفته است که ابن اعثم کتاب تاریخی دارد تا پایان عصر مقتدر (معجم الادباء، ج ۲، ص ۲۳۱). از این عبارت دانسته می شود که او تا پایان عصر خلافت مقتدر، یعنی سال ۳۲۰ ق زنده بوده است.

ولده و شیعتہ» آغاز کرده^۱ و با گزارش بازگرداندن محترمانه اسرای اهل بیت به مدینه توسط یزید، به پایان رسانده است.^۲

سبک تاریخ‌نگاری ابن اعثم همانند یعقوبی و دینوری، بدون ذکر سند و ترکیبی و در برخی موارد، قصه‌پردازی و داستان‌سرایی است،^۳ از این رو گزارش‌های او را درباره واقعه عاشورا، بایستی با احتیاط و با مقابله و مقایسه با اخبار ابومخنف در تاریخ طبری و الارشاد شیخ مفید و گزارش‌های مورخانی همانند بلاذری و دینوری بررسی کرده و در صورت عدم تعارض و مخالفت، به آن اعتنا کرد. با این همه، این اثر از منابع مهم و کهن تاریخی است که در طول زمان، شیعه و سنی به آن استناد کرده‌اند. برای نمونه، برخی از اخبار المناقب ابن شهر آشوب و بحار الانوار و بسیاری از مطالب مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی، از این کتاب گرفته شده است.

هم‌چنین برخی از گزارش‌های ابن اعثم، از ارزش خاصی برخوردار است، زیرا وی در نقل آن بر همه مورخان، پیشی گرفته است، همانند گزارش متن وصیت‌نامه امام حسین علیه السلام به محمد حنفیه و جمله مشهور حضرت درباره فلسفه قیام خویش: «و انی لم أخرج أشراً و لا بطراً و...»^۴.

۱. ابن اعثم، کتاب الفتوح، ج ۴، ص ۳۲۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۳۴.

۳. برای نمونه، او گزارش مفصل چگونگی خروج امام از مدینه را برخلاف تمام گزارش‌های معتبر این گونه نگاشته است که ابتدا امام حسین علیه السلام به بیعت فرا خوانده می‌شود، پس از مخالفت حضرت و احتجاج وی با مروان در راه خروج از منزل خود، ولید بن عتبه حاکم مدینه، خیر آن را به شام می‌فرستد که طبیعتاً دریافت پاسخ یزید، چندین روز به درازا می‌کشد و چون نامه یزید مبنی بر دستور کشتن امام به دست ولید می‌رسد، امام حسین علیه السلام چندین شب در مدینه توقف کرده و بر سر قبر جدش پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شده و سپس شبانه (ظاهراً شب سوم) از مدینه خارج می‌شود (همان، ج ۵، ص ۱۰ - ۲۲). در حالی که بر اساس منابع معتبر که قراین، شواهد و شرایط حاکم نیز همین را اقتضا می‌کرده است، امام حسین علیه السلام شب اول به قصر ولید حاکم مدینه رفت و شب دوم از مدینه خارج شد.

۴. همان، ج ۵، ص ۲۵. البته چنان‌که خواهیم نوشت بعدها ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) این جمله مشهور را در قالب پاسخ شفاهی (نه وصیت‌نامه) امام حسین علیه السلام به پیشنهاد عبدالله بن مطیع، محمد حنفیه و ابن عباس مبنی بر منع رفتن حضرت به عراق آورده است. نکته دیگر در این باره آن‌که در برخی منابع متأخر

از دیگر گزارش‌های ارزش‌مند او نقل خطبه انقلابی و پرشور حضرت زینب در نکوهش کوفیان هنگام اسارت در کوفه است که ابن‌اعثم پس از ابن ابی‌طیفور^۱ (م ۲۸۰ ق)، دومین ناقل این خطبه است. هم‌چنین ابن‌اعثم در ارائه گزارش احتجاج پیرمرد شامی با امام سجاد هنگام ورود اسرا به شام و مجاب شدن پیرمرد و توبه کردن وی،^۲ بر تمام مورخان و مقتل‌نویسان، تقدم دارد و به نظر می‌رسد که شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) هم که بعدها آن را نقل کرده،^۳ از ابن‌اعثم گرفته است. هم‌چنین کهن‌ترین منبع موجود درباره خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید نیز این کتاب است.^۴ هم‌این‌طور وی برخی از اخبار را درباره آگاهی امام حسین علیه السلام از شهادتش آورده است. یکی از این موارد، جریان خواب امام حسین علیه السلام کنار قبر جدش پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه است که طی آن رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فرمود:

به زودی می‌بینم که تو در سرزمین کربلا به دست گروهی از امتم کشته خواهی شد، در حالی که تشنه هستی و سیراب نمی‌شوی.^۵

افزون بر این، ابن‌اعثم، اخبار مربوط به پیش‌گویی ملائکه و پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی خبری از کعب‌الاحبار یهودی درباره شهادت امام حسین علیه السلام را آورده است.^۶ این در حالی است که چنین گزارش‌هایی در منابع متقدم و یا معاصر ابن‌اعثم، کمتر و در حد اشاره، به چشم می‌خورد.

شیعی، همانند بحار الانوار این جمله مشهور در همان قالب وصیت‌نامه آمده است (ر.ک: بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۲۹ - ۳۳۰) و علامه مجلسی اگرچه، این نقل را از کتاب تسلیة المجالس و زینة المجالس سیدمحمد بن ابی‌طالب موسوی نقل کرده است، اما با اندکی بررسی و مقایسه، می‌توان به این نکته پی برد که تسلیة المجالس نیز از مقتل الحسین خوارزمی گرفته که او نیز به نوبه خود، از ابن‌اعثم گرفته است.

۱. ابن ابی‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۳ - ۲۴.

۲. ابن‌اعثم، کتاب الفتح، همان، ج ۵، ص ۱۳۰.

۳. شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۳۱، ص ۲۳۰، شماره ۳.

۴. ابن‌اعثم، همان، ج ۵، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۹ و نیز ص ۸۷ و ۹۹ - ۱۰۰.

۶. همان، ج ۴، ص ۳۲۳ - ۳۲۷.

ترجمه کتاب الفتح

کتاب الفتح در قرن ششم (۵۹۶ ق) از آغاز دوران خلافت ابوبکر تا پایان حادثه عاشورا به قلم و انشای محمد بن احمد مستوفی هروی^۱ ترجمه شده که چندی پیش تصحیح و منتشر شده است.^۲ از آن‌جا که مترجم، تمایلات شیعی داشته، برخی از تعبیر و باورهای شیعی را در ترجمه افزوده است.^۳

بخش پایانی این ترجمه، مربوط به حادثه عاشورا از آغاز تا فرجام آن است و با متن اصلی تفاوت‌هایی دارد که با بررسی و تطبیق متن اصلی و ترجمه، این تفاوت‌ها دانسته می‌شود. برای نمونه، در جریان آگاهی ابن زیاد از حفر چاه توسط امام حسین علیه السلام در کربلا، مترجم گزارش کیفیت حفر چاه را توسط حضرت همانند خوارزمی آورده است که در گزارش ابن اعثم نیست.^۴ محتمل است گزارش یاد شده یا در نسخه موجود از فتوح نزد مترجم بوده و یا وی این گزارش را از مقتل خوارزمی گرفته و در تکمیل گزارش ابن اعثم، به متن ترجمه افزوده است. هم‌چنین مترجم، افرادی مانند مالک بن اوس مالکی^۵ و عمرو بن خباوه^۶ را از اصحاب امام حسین علیه السلام دانسته که نه تنها در گزارش ابن اعثم از آنان نام برده نشده، بلکه در هیچ منبع معتبری، یارانی به نام‌های یاد شده برای امام علیه السلام گزارش نشده است. نکته آخر در این باره آن‌که بخش مربوط به امام حسین علیه السلام این ترجمه، با عنوان قیام امام حسین علیه السلام (برگزیده از کتاب الفتح) به صورت مستقل چاپ شده است.^۷

۱۱. العقد الفرید؛ احمد بن محمد بن عبد ربّه اندلسی (م ۳۲۸ ق)

ابن عبد ربّه اندلسی به مناسبت بیان حوادث سال ۶۱ ق چند صفحه‌ای از نگاشته

۱. درباره مترجم کتاب الفتح که یک یا دو نفر بوده است، رک: ترجمه فتوح، مقدمه مصحح، ص ۱۸ به بعد.
۲. تصحیح غلام‌رضا مجد طباطبایی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۸۱۹ و ۹۲۴.
۳. برای نمونه، مقایسه شود صفحات ۴۹۹، ۵۶۷، ۶۴۴ و ۸۱۱ از ترجمه فتوح به ترتیب با متن کتاب الفتح، ج ۲، ص ۴۹۵؛ ج ۳، ص ۷۷ و ۱۵۹ و ج ۴، ص ۳۴۶.
۴. ابن اعثم، ترجمه کتاب الفتح، ص ۸۹۳ مقایسه شود با کتاب الفتح، ج ۵، ص ۹۱.
۵. ابن اعثم، ترجمه کتاب الفتح، ص ۹۰۵.
۶. همان.
۷. تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ۱۰۹ صفحه.

خود را به قیام عاشورا اختصاص داده^۱ و به اختصار به سیر قیام امام حسین علیه السلام از آغاز تا پایان پرداخته است. نکته قابل توجه در این نگاشته، اخبار مورخان و مقتل نویسانی است که او از آن‌ها بهره برده است. وی آغاز گزارش خود را از مقتل قاسم بن سلام هروی که از بین رفته، به واسطه شخصی به نام علی بن عبدالعزیز نقل کرده است. سپس از محدثان، مورخان و نسب شناسانی، همانند زبیر بن بکار (به واسطه علی بن عبدالعزیز)، ضحاک بن عثمان خزاعی، شعبی (به نقل از یحیی بن اسماعیل) و حسن بصری (به نقل از ابوالحسن مدائنی) اخباری را آورده است. از گزارش‌های خلاف مشهور ابن عبد ربه که از قاسم بن سلام نقل کرده، جریان دیدار امام علیه السلام با عبدالله بن مطیع در راه مکه است که وقتی وی از حضرت سؤال می‌کند کجا می‌روی؟ حضرت می‌فرماید: به عراق، چون از سوی آنان بیش از یک بار (شتر) برایم نامه (دعوت) آمده است^۲ در حالی که - چنان‌که نگاشته خواهد شد - دعوت عراقیان، چند روز پس از اقامت حضرت در مکه بوده است.

۱۲. کتاب المحن؛ ابوالعرب محمد بن احمد بن تمیم تمیمی (م ۳۳۳ ق)

نویسنده این اثر، گزارشی درباره شهادت امام حسین علیه السلام، به ویژه حوادث خارق‌العاده پس از آن، از قبیل پدیدار شدن سرخی در آسمان و برآمدن خون از زیر سنگ‌ها، آورده است.^۳ شش صفحه نخست گزارش وی، همان گزارش قاسم بن سلام است که ابن عبد ربه نیز آن را نقل کرده است.

۱۳. مروج الذهب و معادن الجواهر؛ ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (م ۳۴۶ ق)

مسعودی، مورخ و جغرافی‌دان مشهور قرن چهارم از نوادگان عبدالله بن مسعود،^۴ صحابی بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. او به مناسبت گزارش حوادث سال ۶۱ ق چند

۱. ابن عبد ربه، العقد الفريد، ج ۴، ص ۳۵۲ - ۳۶۲.

۲. همان، ص ۳۵۲.

۳. تمیمی، کتاب المحن، ص ۱۴۲ - ۱۵۵.

۴. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۷۱.

صفحه‌ای از اثر خود را به گزارش واقعه کربلا اختصاص داده است.^۱ اگرچه گزارش او درباره واقعه عاشورا همان گزارش‌های مشهور منابع کهن است، اما برخی از گزارش‌ها را تنها او آورده است. برای نمونه، تاریخ ورود مسلم بن عقیل را به کوفه، پنجم شوال نگاشته است.^۲ هم چنین آمار اصحاب امام علیه السلام را هنگام روانه شدن به کربلا به همراه سپاه حرّ، پانصد سوار و حدود صد پیاده،^۳ و آمار شهدای کربلا را ۸۷ نفر نوشته است.^۴

۱۴. البدء و التاريخ؛ مطهر بن طاهر مقدسی (م پس از ۳۵۵ ق)

نویسنده این اثر نیز مباحثی چون بیعت ستاندن یزید، سفر مسلم به کوفه، واقعه کربلا و اشعار یزید هنگام چوب زدن بر لبان امام حسین علیه السلام را در چند صفحه از تاریخ خود آورده است.^۵

۱۵. مقاتل الطالبیین؛ ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق)

از میان شیعیان غیر امامی نیز، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) که اموی نسب و گرایش شیعی داشته،^۶ با تدوین کتاب *مقاتل الطالبیین*، ضمن نقل روایات مسند درباره قیام‌ها و کشته‌های خاندان ابوطالب، حدود ۳۸ صفحه را به مقتل امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب او و نیز اسارت خاندانش اختصاص داده است.^۷ در گزارش ابوالفرج از مقتل امام حسین علیه السلام، ابتدا اسامی و چگونگی شهادت ۲۳ تن از شهدای بنی‌هاشم (با احتساب امام حسین علیه السلام) آمده، و در ادامه، چگونگی

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۵-۷۳.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۷۱.

۴. همان، ص ۷۲. البته پس از او، مقدسی نیز چنین آثاری را در کتابش آورده است (*البدء و التاريخ*، ج ۶، ص ۱۱).

۵. البدء و التاريخ، ج ۶، ص ۱۳۸.

۶. از کتاب *مقاتل الطالبیین* او می‌توان این گرایش را استنباط کرد، اما تشیع امامی را نمی‌توان به او نسبت داد.

۷. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۸۴-۱۲۱. شیوه ابوالفرج در نقل روایات، معمولاً شیوه روایی و به صورت نقل خبر همراه با ذکر سند است.

شهادت مسلم بن عقیل در کوفه با تفصیل بیشتر گزارش شده است. وی در نهایت، جریان شهادت امام حسین علیه السلام و سپس گوشه‌هایی از گزارش‌های مربوط به اسارت اهل بیت حضرت را آورده و در مجموع، بنای وی بر ایجاز و عدم تفصیل بوده است.

ابوالفرج اخبار مربوط به حادثه کربلا را از روایانی چند نقل کرده، اما بخش اصلی حادثه، یعنی شهادت امام حسین علیه السلام و مقدمات آن را از ابومخنف نقل کرده است و در واسطه‌های میان او و ابومخنف، گاه نام نصر بن مزاحم منقری،^۱ و گاه نام ابوالحسن مدائنی^۲ آمده است. وی روایاتی نیز از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام در این زمینه نقل کرده است.^۳ در برخی موارد، هم‌چون گزارش چگونگی شهادت حضرت چند روایت را ترکیب کرده و پس از ذکر سندها، یک جا، به نقل متن آن‌ها پرداخته است. شیوه روایی و تأکید بر نقل اسناد توسط ابوالفرج موجب شده که امکان نقد سندی در روایات او فراهم شود، و نیز از این ناحیه، امکان احیای اثر از بین رفته ابومخنف در مقتل نیز (تا حدی که ابوالفرج از او نقل کرده) امکان‌پذیر شده است. ابوالفرج در برخی موارد، اشعاری نیز از شعرای مرثیه‌سرا، هم‌چون کمیت بن زید اسدی^۴ و سلیمان بن قته^۵ آورده است.

۱۶. شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام؛ قاضی نعمان تمیمی مغربی (م ۳۶۳ ق)
از دیگر شیعیان که در این قرن، روایات مربوط به مقتل امام حسین علیه السلام را نقل کرده، قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی است. وی در کتاب خود با عنوان شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام بیش از پنجاه روایت درباره شهادت امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا و وقایع پس از آن نقل کرده است.^۶

۱. همان، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۸۵، ۹۲، ۹۴، ۱۰۲، ۱۰۹ و ۱۱۴.

۳. به ترتیب: یک، نه و چهار روایت، در ص ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۹۹ و ۱۱۳.

۴. همان، ص ۹۰.

۵. همان، ص ۱۲۱.

۶. قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۳۴ - ۱۹۹، شماره ۱۰۷۴ - ۱۱۲۸.

قاضی نعمان پیشینه غیر شیعی داشته و از پیروان مذهب مالکیه^۱ (و به قولی حنفیه)^۲ بوده و سپس به تشیع گراییده است، ولی در این‌که تشیع وی امامی بوده یا اسماعیلی، میان شرح حال نویسان اتفاق نظر نیست. بسیاری از عالمان شیعی و برخی از شرح حال نویسان غیر شیعی او را شیعه امامی دانسته‌اند، اما به سبب تقیه از دولت فاطمی، این امر را در نوشته‌هایش بروز نمی‌داده است، و از این رو از امامان پس از امام صادق علیه السلام با کنیه‌های مشترک یاد کرده است.^۳

وی ابتدا روایاتی را که مربوط به اصل شهادت امام حسین علیه السلام و اخبار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام از این امر است، نقل کرده و سپس سیر حرکت حضرت از مدینه تا کربلا، شهادت مسلم در کوفه، مواجهه و شهادت حضرت و وقایع پس از آن، هم‌چون اسارت اهل بیت علیهم السلام و مجلس ابن‌زیاد و یزید را آورده است. او درباره این‌که علی اکبر آیا امام سجاد علیه السلام بوده یا خیر، دو قول نقل کرده و نیز در این‌که تعداد اصحاب امام علیه السلام ۷۲ نفر بوده یا کمتر، دو احتمال مطرح کرده است. بنا به نقل وی، قاتل امام علیه السلام، سنان بن انس نخعی بوده و قاطع رأس حضرت، خولی. معرفی اسامی شهدای اهل بیت امام علیه السلام، از دیگر بخش‌های گزارش‌های او در مقتل است. گزارش‌های وی معمولاً مسند است، اما به این صورت که بخشی از سند را نقل و بخش دیگر را به اسناد راوی وامی‌گذارد.

۱۷. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ محمد بن محمد بن نعمان، معروف به «شیخ مفید» (م ۴۱۳ ق) شیخ مفید در فصل مربوط به امام حسین علیه السلام، پس از امیرالمؤمنین علیه السلام، بیشترین

۱. ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۵، ص ۴۱۵.
۲. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی احوال ملوک مصر و القاهرة، ج ۴، ص ۱۰۶.
۳. درباره زندگی، اعتقادات و مذهب و آثار او، ر.ک: مقدمه شرح الاخبار، به قلم محقق سید محمد حسینی جلالی، قم، مرکز انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۸۲۵. هم‌چنین محقق دیگری درباره مذهب او پژوهش مفصلی کرده و با ارائه دلایل و شواهدی، اسماعیلی بودن وی را اثبات کرده است (ر.ک: امیر جوان‌آراسته، «قاضی نعمان و مذهب او»، فصلنامه هفت آسمان، سال سوم، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۸، ص ۵۸ به بعد).

حجم از کتاب خود (یعنی حدود ۱۰۹ صفحه،^۱ نزدیک به یک هفتم) را به شرح حال و زندگی حضرت و واقعه عاشورا اختصاص داده است که این میزان عنایت و پرداختن وی به این موضوع، اهمیت سترگ این واقعه را نزد او می‌رساند. او - چنان‌که خود تصریح کرده است - گزارش واقعه کربلا را از هشام کلبی (چنان‌که گفته شد او نیز به نوبه خود بیشتر از مقتل استادش ابو مخنف نقل کرده است)، مدائنی و غیر این دو آورده است.

با مطالعه و بررسی اجمالی گزارش شیخ مفید این نکته به سهولت روشن می‌شود که در بیشتر موارد، گزارش‌های تاریخ طبری را با حذف اسناد و رعایت اختصار آورده است. این نکته با مقایسه گزارش‌های وی با گزارش‌های طبری که با ذکر سند آورده شده قابل پی‌گیری و اثبات است. نکته شایان توجه در گزارش‌های شیخ مفید، افزوده‌هایی است که در گزارش‌های طبری نمی‌توان یافت. برای نمونه، گزارش کیفیت نبرد و شهادت حضرت عباس^۲ یا تعیین محل دفن حضرت علی اکبر، شهدا و حضرت عباس^۳ را تنها شیخ مفید نگاشته و در گزارش طبری موجود نیست.

۱۸. مقتل الامام الحسين عليه السلام من كتاب تاريخ الخلفاء؛ (نویسنده مجهول قرن سوم تا پنجم)

تحقیق رسول جعفریان

در سال ۱۹۶۸م در مسکو کتابی با عنوان تاریخ الخلفاء از نویسنده‌ای ناشناخته به صورت عکسی چاپ شد که بخشی از آن به مناسبت پرداختن به خلافت یزید، درباره واقعه کربلاست. چنان‌که محقق آن بر این باور است، نشر این اثر با قرن سوم و چهارم متناسب و گزارش آن با متون اصیل کهن سازگار است. نویسنده این کتاب، با بهره‌گیری از منابع کهن معتبر، گزارش این واقعه را با حذف اسناد، به اختصار و به صورت ترکیبی و در برخی موارد، با اندکی تغییر در تعابیر آورده که البته گزارش و

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷ - ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.

۳. همان، ص ۱۱۴.

نکته جدیدی در آن دیده نمی‌شود. وی تنها در گزارش گفت‌وگو و احتجاج امام سجاد علیه السلام با ابن‌زیاد، از حمید بن مسلم (یکی از سپاهیان دشمن و حاضر در مجلس ابن‌زیاد که ابو‌مخنف با واسطه سلیمان بن ابی‌راشد، از او بسیار روایت کرده است) نام برده است.^۱ نویسنده در پایان گزارش مقتل امام حسین علیه السلام، می‌نگارد: ما درباره حسین علیه السلام و مقتل او، سخن را بسط دادیم، گرچه در مقایسه با آنچه راویان در این باره نگاشته‌اند، اندک است. دلیل تفصیل ما آن بود که مانند چنین حادثه‌ای در پیش و پس از اسلام اتفاق نیفتاده و گمان ما آن است که در سایر ادیان نیز تا زمان ما چنین چیزی رخ نداده و حتی نزدیک به آن هم، صورت نگرفته است.^۲

۱۹. تجارب الامم و تعاقب الهمم؛ ابوعلی مسکویه رازی (م ۴۲۱ ق)

ابوعلی مسکویه، به مناسبت پرداختن به حوادث عصر خلافت یزید بن معاویه، بیش از چهل صفحه از کتاب خود را به واقعه عاشورا اختصاص داده است. او در این بخش، به همان اخباری که طبری در تاریخ خود از ابو‌مخنف و راویان دیگر درباره این حادثه آورده است، اکتفا کرده و به شیوه ترکیبی و حذف اسناد، این حادثه را از آغاز بیعت ستانی یزید تا پایان بازگرداندن اسرای اهل بیت علیهم السلام به مدینه، به اختصار، گزارش کرده است.^۳

۲۰. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ ابو‌عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر قرطبی (م ۴۶۳ ق)

ابن عبدالبر قرطبی، حدود پنج صفحه از اثر خود را به ترجمه و شرح حال امام حسین علیه السلام و برخی از اخبار نهضت عاشورا اختصاص داده است.^۴ یکی از نکاتی که نویسنده به آن پرداخته، گزارش یحیی بن معین است که از قول کوفیان نقل کرده که کشته‌شدن امام حسین علیه السلام، عمر سعد بود. وی در توجیه سخن کوفیان نوشته است این که قاتل عمر سعد دانسته شده از این‌روست که وی با این شرط که حکومت ری به او برسد، به

۱. مقتل الحسین، تحقیق رسول جعفریان، فصلنامه تراننا، ۱۴۲۲ق، شماره ۶۸، ص ۲۴۴.

۲. همان، ص ۲۴۷.

۳. ابن مسکویه رازی، تجارب الامم و تعاقب الهمم، ج ۲، ص ۳۸ - ۸۳.

۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۴۴۲ - ۴۴۷، شماره ۵۷۴.

عنوان فرمانده سپاه ابن زیاد، مأمور جنگ با حسین بن علی علیه السلام شد.^۱ گزارش هایی که ابن عبدالبر درباره امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا آورده، به جز نقل چند روایت فقهی از حضرت، اخبار مشهوری است که در منابع دیگر آمده و نکته جدیدی ندارد.

۲۱. روضة الواعظین؛ محمد بن فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق)

ابن فتال نیشابوری، این اثر را در قالب مجلس سامان داده است. وی چندین مجلس را به زندگی و حوادث عصر ائمه علیهم السلام اختصاص داده است که در این میان، قیام عاشورا را در قالب یک مجلس، گزارش کرده است.^۲ وی عمده گزارش های خود را در این باره از دو کتاب الارشاد شیخ مفید و الامالی شیخ صدوق نقل کرده است، به این ترتیب که گزارش شهادت امام حسن علیه السلام و تحرک شیعه در عراق تا پیوستن حر بن یزید به امام حسین علیه السلام را از ارشاد شیخ مفید به اختصار بیان کرده است.^۳ اما در ابتدای گزارش خود، گفت و گوی عبدالله بن حوزة با امام علیه السلام و احتجاج حضرت تا شهادت حضرت قاسم را از امالی شیخ صدوق آورده،^۴ سپس دوباره گزارش شهادت طفل شیرخوار و شهادت امام علیه السلام تا اسب تازاندن بر بدن حضرت را از شیخ مفید به اختصار نقل کرده است.^۵ و از آن پس، از آغاز گزارش به خون مالیدن اسب یال و پیشانیش را به خون بدن امام علیه السلام و حضور اسرای اهل بیت علیهم السلام در کوفه و شام و احتجاجات آنان با ابن زیاد و یزید را با جابه جایی و حذف برخی از اخبار، از امالی آورده است.^۶ و سرانجام، گزارش بازگرداندن محترمانه اهل بیت علیهم السلام را به مدینه به دستور یزید و عزاداری بنی هاشم را در مدینه مجدداً از شیخ مفید به اختصار نقل کرده است.^۷

۱. همان، ج ۱، ص ۴۴۳.

۲. محمد بن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۶۹ - ۱۹۵.

۳. همان، ص ۱۷۱ - ۱۸۵ مقایسه شود با: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲ - ۱۰۰.

۴. همان، ص ۱۸۵ - ۱۸۸ مقایسه شود با: شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۳۰، ص ۲۲۱ - ۲۲۶.

۵. همان، ص ۱۸۸ - ۱۸۹ مقایسه شود با: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۸ - ۱۱۳.

۶. همان، ص ۱۸۹ - ۱۹۲ مقایسه شود با: شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۳۰، ص ۲۲۶ - ۲۲۷ و مجلس ۳۱، ص ۲۲۸ - ۲۳۲.

۷. همان، ص ۱۹۲ - ۱۹۳ مقایسه شود با: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۲ - ۱۲۵.

هم چنین ابن فتال سه صفحه آخر^۱ و نیز دو صفحه آغازین^۲ این مجلس را به چند حدیث و گزارش اختصاص داده است که برخی از آن‌ها را می‌توان در ارشاد و امالی یافت.

۲۲. إعلام الوری بأعلام الهدی؛ فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ق)

شیخ طبرسی شرح حال زندگی امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا را در ۵۹ صفحه و ضمن پنج فصل آورده است.^۳

فصل اول: تاریخ تولد و مدت عمر امام علیه السلام. فصل دوم: بیان دلایل امامت حضرت و این‌که از سوی پدر و برادرش بر امامت ایشان تصریح شده است. فصل سوم: بیان برخی از خصائص، مناقب و فضایل آن حضرت. فصل چهارم: مختصری از اخبار خروج حضرت بر یزید و مقتل وی. فصل پنجم: تعداد فرزندان و اسامی آنان. اگرچه او تصریح نکرده که گزارش واقعه عاشورا را از شیخ مفید گرفته است، اما با بررسی و مقایسه گزارش وی و شیخ مفید، به سهولت دانسته می‌شود که تمام گزارش شیخ مفید را در این باره به اختصار و با اندکی تغییر در برخی از تعبیر و عبارات، نقل کرده و تنها در پایان گزارش، دیدگاه شیخ مفید را درباره محل دفن اصحاب امام حسین علیه السلام، آورده است.^۴

۲۳. مقتل الحسين علیه السلام؛ موفق بن احمد خوارزمی (م ۵۶۸ ق)

ابوالمؤید موفق^۵ بن احمد بن محمد^۶ بکری مکی حنفی معروف به «اخطب

۱. همان، ص ۱۹۳ - ۱۹۵.

۲. همان، ص ۱۶۹ - ۱۷۱.

۳. طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۲۰ - ۴۷۸.

۴. همان، ص ۴۷۷.

۵. برخی نام او را به اشتباه، «موفق‌الدین» دانسته‌اند (محمد بن عبد الحی لکنوی هندی، الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه، ص ۳۹).

۶. برخی نام جد خوارزمی را «اسحاق» یا کنیه «ابوسعید» دانسته‌اند (باقوت بن حموی، معجم الادباء،

خوارزمی، فقیه، خطیب، قاضی، ادیب و شاعر، ملقب به «صدر الائمه»، «اخطب خوارزمی»^۱ و «خليفة الزمخشري» حدود سال ۴۸۴ ق دیده به جهان گشود^۲ و در سال ۵۶۸ ق بدرود حیات گفت.^۳

درباره مذهب خوارزمی باید گفت با توجه به آن که در عصر وی مذهب شایع در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، از جمله منطقه خوارزم مذهب «حنفی» بوده است، خوارزمی نیز این مذهب را در فروع، اختیار کرده است. یکی از شواهد قوی بر مذهب او کتاب مناقب ابی حنیفه اوست که در فضایل ابوحنیفه نوشته و در آن به مدح و ثنای وی، در قالب قصیده‌ای طولانی پرداخته است. البته او در اصول اعتقادات، اشعری بوده است، با این همه او به تشیع متمایل و علاقه مند به اهل بیت علیهم السلام نیز بوده است، چرا که افزون بر نگارش مقتل الحسين علیه السلام، کتاب های دیگری همانند فضائل امیرالمؤمنین معروف به المناقب، کتاب رد الشمس لامیرالمؤمنین علیه السلام، کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام و الأربعین فی مناقب النبی الامین و وصیة امیرالمؤمنین علیه السلام نگاشته است.

مقتل الحسين علیه السلام خوارزمی، کتابی تاریخی روایی است که بیشتر روایات و گزارش های تاریخی آن، با سلسله سند بیان شده است. بیشتر مطالب این اثر از

۱- ج ۱۹، ص ۲۱۲؛ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، بغیة الوعاء فی طبقات اللغویین و النحاة، ج ۲، ص ۴۰۱؛ محمدباقر موسوی خوانساری اصفهانی، روضات الجنات، ج ۸، ص ۱۲۴ و عبدالحسین احمد امینی، الغدیر، ج ۴، ص ۳۹۸. اما با توجه به تصریح بیشتر شرح حال نویسان به این که نام جدش «محمد» بوده است، به نظر می رسد این دیدگاه، به حقیقت، نزدیک باشد.

۱. بعضی، هم چون قرشی (عبدالقادر بن ابی الوفاء قرشی، الجواهر المضية، ج ۲، ص ۱۸۸) و فاسی (تقی الدین محمد بن احمد حسنی فاسی مکی، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، ج ۷، ص ۳۱۰) او را «خطیب خوارزم» خوانده اند که چندان تفاوتی ندارد. البته کسانی که از او با صیغه تفضیل (اخطب) تعبیر کرده اند، مقصودشان تعظیم و تکریم ایشان و تصریح به تبخّر وی در انشای خطبه بوده است (ر.ک: خوارزمی، المناقب، مقدمه جعفر سبحانی، ص ۱۷).

۲. قرشی، همان، ج ۲، ص ۱۸۸؛ سیوطی، همان، ج ۲، ص ۴۰۱؛ محمود بن سلیمان کفوی، أعلام الأخیار من فقهاء مذهب النعمان، به نقل از: میرحامد حسین نیشابوری هندی، عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۶، ص ۲۹۶.

۳. جمال الدین ابوالحسن علی بن یوسف قفطی، إنباه الرواة علی أنبیا النحاة، ج ۳، ص ۲۳۲؛ قرشی، همان، ج ۲، ص ۱۸۸ و فاسی، همان، ج ۷، ص ۳۱۰.

فصل نهم تا پایان فصل یازدهم (که از جریان بیعت خواهی معاویه برای یزید آغاز شده و با شهادت آن حضرت و یارانش در کربلا به پایان می‌رسد) برگرفته از کتاب الفتح ابن اعثم است که خود بارها به این موضوع در کتابش تصریح کرده است. وی در برخی موارد پس از نقل گزارش ابن اعثم، حدیث یا گزارش دیگری را بر آن افزوده و سپس ادامه گزارش ابن اعثم را آورده است: «قال احمد بن اعثم الکوفی»^۱ گزارش‌های افزوده شده معمولاً گزارش‌هایی است که خوارزمی به طور مسند از مشایخ خود نقل کرده است.

برخی از مشایخ روایت خوارزمی که در این اثر از آنان بسیار نقل کرده است، عبارت‌اند از: جاراالله محمود بن عمر زمخشری (م ۵۳۸ ق)، ابومنصور شهردار بن شیرویه دیلمی (م ۵۵۸ ق)، حسن بن احمد عطار همدانی (م ۵۴۴ ق) و ابوالحسن علی بن احمد عاصمی.

فصل‌های مقتل خوارزمی

کتاب مقتل الحسین علیه السلام یک سرآغاز و پانزده فصل دارد که در یک مجلد دو جلدی گرد آمده است. جلد اول این کتاب، شامل ده فصل و بخش اول فصل یازده است و جلد دوم، بخش دوم فصل یازده و چهار فصل دیگر را در بردارد. عناوین این فصل‌ها چنین است:

جلد اول: ۱. برخی از فضائل پیامبر صلی الله علیه و آله، ۲. فضائل خدیجه دختر خویلد، ۳. فضائل فاطمه دختر اسد پسر هاشم پسر عبد مناف مادر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ۴. نمونه‌ای از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ۵. فضائل فاطمه زهرا علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، ۶. فضائل حسن و حسین علیهما السلام، ۷. فضائل اختصاصی حسین علیه السلام، ۸. پیش‌گویی رسول خدا صلی الله علیه و آله از حسین علیه السلام و احوال وی، ۹. آنچه بین حسین علیه السلام و بین ولید بن عتبّه و مروان بن حکم در مدینه، در زمان حیات معاویه و بعد از مرگش، روی داد، ۱۰. آنچه از سرگذشت حسین علیه السلام که در مدت اقامتش در

۱. خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۴، ۲۶۳، ۳۰۸ و ۳۲۳.

مکه اتفاق افتاد و آنچه از نامه‌های کوفیان به دست او رسید و فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه و قتل او در این شهر، ۱۱. خروج حسین بن علی علیه السلام از مکه به سوی عراق و حوادث و اتفاقاتی که بین راه رخ داد و فرودش در سرزمین طف (بخش اول).

جلد دوم: کشته شدن امام حسین علیه السلام (بخش دوم)، ۱۲. عقوبت و مجازات قاتل حسین علیه السلام، ۱۳. برخی از مرثیه‌هایی که درباره حضرت سروده شده است، ۱۴. زیارت حضرت و فضیلت آن، ۱۵. انتقام مختار بن ابی عیید ثقفی از کشتندگان حسین علیه السلام. هم‌چنین خوارزمی در پایان این فصل، به جریان کشته شدن مصعب و عبدالله پسران زبیر، پرداخته است.

خوارزمی و ابن‌اعثم

چنان‌که نگاشته شد، خوارزمی در نگارش واقعه کربلا تا پیش از روز عاشورا، بیشترین بهره را از کتاب الفتح ابن‌اعثم برده است، اما گزارش‌های وی در مقایسه با اخبار ابن‌اعثم، اضافات، کاستی‌ها و تفاوت‌هایی از جهات دیگر دارد که به نظر می‌رسد این امر، معلول سه عامل بوده است: اول، آن‌که فتوح ابن‌اعثم نسخه‌های متعدد و تا اندازه‌ای متفاوت از یکدیگر با اضافات و کاستی‌هایی داشته است. شاهد بر این ادعا، اختلاف نسخه‌های موجود کنونی با نقل‌های خوارزمی از ابن‌اعثم است. نمونه بارز در این باره، تفاوت‌های اشعار آورده شده به مناسبت حوادث مختلف در فتوح ابن‌اعثم با مقتل خوارزمی از جهت کمی و محتوایی است. هم‌چنین احتمال دارد برخی از اضافات مقتل خوارزمی به این علت باشد که نسخه‌ای کامل‌تر از فتوح نزد خوارزمی بوده است.

دوم، آن‌که خوارزمی، خطیب و اهل منبر بوده است که با تأثیرپذیری از چنین منصب و حرفه‌ای، به تغییر کمی و در برخی موارد، تغییر کیفی گزارش‌های ابن‌اعثم با نقل به معنای آن‌ها کرده است تا گزارش‌های این حادثه، منطقی‌تر، قابل پذیرش‌تر

و جذاب‌تر برای خواننده باشد. البته این کار در بسیاری از موارد تا حدی بوده که موجب تحریف اصل جزریان نشود.

سوم، آن‌که طبیعت بسیاری از حوادث و قضایای تاریخی آن است که وقتی گرد و غبار گذشت زمان بر آن‌ها می‌نشیند و نویسندگان قرن‌های بعدی پا به عرصهٔ حیات علمی گذاشته و به بازنگاری آن می‌پردازند، در نتیجهٔ چنین فاصلهٔ زمانی از زمان حادثه، اضافات و شاخ و برگ‌هایی بر اصل حادثه می‌افزایند که در گزارش‌های اولیه، وجود ندارد.

۲۴. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابوالحسن احمد بن عبدالله بن محمد بکری (قرن پنجم و ششم)

بکری، رسالهٔ کوتاهی دربارهٔ امام حسین عليه السلام نگاشته است که نسخه‌ای از آن با عنوان حدیث وفات سیدنا الحسين عليه السلام در کتابخانهٔ دانشگاه قزوین شهر فاس در مراکش ضمن مجموعه‌ای (به شمارهٔ ۵۷۵ / ۳، ص ۷۷ - ۸۶) نگهداری می‌شود.^۱

رجال‌نویسان اهل سنت، بکری را نکوهش کرده و از او به «کذاب دجال»^۲، «قصاص» و دروغ‌گوتر از مسیلمه کذاب، تعبیر کرده‌اند.^۳ ابن حجر افزوده است که از کتاب‌های مشهورش، کتاب الذروه فی السیره النبویه است که در آن هر جنگی از جنگ‌های عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را که گزارش کرده است، یا اصل آن را نادرست روایت کرده و یا گزارش‌های نادرست بر آن افزوده است.^۴

اگرچه رسالهٔ مقتل الحسين بکری مختصر است، اما به نظر می‌رسد سبک نگارش داستانی ادبی نویسندگانی، همانند بکری در قرن پنجم و ششم که تاریخ صدر اسلام را در قالب کتاب الذروه فی السیره النبویه به این شیوه روایت کرده است آغاز مهمی در روایت کردن تاریخ عاشورا هرچند به اختصار، به این سبک بوده است.

۱. سید عبدالعزیز طباطبایی، اهل البيت عليهم السلام فی المكتبة العربیه، ص ۵۴۸، ش ۷۰۶.

۲. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۱۲ و ابن حجر، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۰۲.

۳. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۶.

۴. ابن حجر، همان.

۲۵. ترجمه ریحانة رسول الله ﷺ، الإمام الحسين عليه السلام (من تاریخ مدينة دمشق): ابوالقاسم علی

بن حسن هبة الله شافعی، معروف به «ابن عساکر دمشقی» (م ۵۷۱ ق)

ابن عساکر به مناسبت پرداختن به شرح حال بزرگان و افراد برجسته که در دمشق ساکن بوده یا به این شهر و اطراف و نواحی آن آمده‌اند، به شرح حال امام حسین عليه السلام پرداخته است.^۱ وی در شرح حال ۱۵۰ صفحه‌ای درباره امام حسین عليه السلام و حادثه عاشورا، در مجموع، ۴۰۲ روایت و گزارش آورده که مضمون بسیاری از آنها تکراری است. این اثر، نظم و تبویب مناسبی ندارد و در مواردی، اخبار برخی از موضوعات و عناوین، به صورت پراکنده آمده است.^۲ نکته شایان توجه درباره این نگاشته آن‌که ابن عساکر در گزارش مختصر خود از سیر قیام امام حسین عليه السلام، بخشی از آغاز گزارش مقتل امام حسین عليه السلام ابن سعد^۳ را با همان سلسله اسناد وی نقل کرده است.^۴ افزون بر این، او برخی گزارش‌های دیگر مقتل وی را به صورت پراکنده در لابه لای نگاشته خود آورده است.^۵

اما نکته‌ای که درباره کمیت و کیفیت محتوایی این اخبار و گزارش‌ها و رویکرد خاص ابن عساکر در انتخاب و چینش آن‌ها حائز اهمیت است، آن‌که وی اولاً: اخبار و گزارش‌هایی را بیشتر گزینش کرده و آورده است که اطلاعات تاریخی کمتری درباره این واقعه داشته و بیشتر به مسائل حاشیه‌ای و کم‌ارزش پرداخته است، ثانیاً:

۱. تاریخ مدينة دمشق، ج ۱۴، ص ۱۱۱-۲۶۰، شماره ۱۵۶۶. هم‌چنین این بخش از تاریخ ابن عساکر، توسط محقق برجسته محمدباقر محمودی، تحقیق و جداگانه با عنوان ترجمه ریحانة رسول الله الامام الحسين عليه السلام من تاریخ مدينة دمشق چاپ شده است. افزون بر این، محقق سیدمحمدرضا حسینی جلالی برخی از اخبار این اثر را گزینش کرده و در قالب چند باب با عنوان الحسين عليه السلام سمانه و سیره به چاپ رسانده است.

۲. همانند اخبار مربوط به ولادت، شهادت و مدت عمر امام و اخبار مربوط به عقوبت کشتندگان امام.

۳. ابن سعد، ترجمه الامام الحسين و مقتله، ص ۵۳ - ۶۳، شماره ۲۸۲ - ۲۸۵.

۴. ابن عساکر، ترجمه ریحانة رسول الله ﷺ الإمام الحسين عليه السلام، ص ۲۸۷ - ۳۰۱، حدیث ۲۵۵ - ۲۵۸ و همو، تاریخ مدينة دمشق، ج ۱۴، ص ۲۰۴ - ۲۱۳.

۵. برای نمونه ر.ک: ابن عساکر، همان، ص ۳۷، حدیث ۳۱؛ ص ۲۷۵ - ۲۷۶، حدیث ۲۴۱ - ۲۴۲؛ ص ۳۰۸ - ۳۰۹، حدیث ۲۶۶ - ۲۶۸ و ص ۳۶۸، حدیث ۳۱۰ - ۳۱۱. مقایسه شود به ترتیب با: گزارش‌های ابن سعد، همان، ص ۱۷، ۴۹ - ۵۰، حدیث ۲۷۸ - ۲۸۰، ص ۶۴، حدیث ۲۹۰ و ص ۹۰، حدیث ۳۲۰.

چنان‌که گفته شد، بسیاری از مضامین این اخبار، چندین بار تکرار شده است، چندان‌که حدود صد روایت مربوط به روز و سال ولادت و شهادت، مدت عمر، نام و کنیهٔ امام^۱ و بیش از ۱۲۰ روایت، یعنی بیش از یک چهارم آن‌ها دربارهٔ مناقب و فضایل حضرت^۲ است که بسیاری از روایات این دو دسته، تکراری است. بیش از سی روایت، مربوط به پیش‌گویی‌های پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام دربارهٔ کشته شدن امام حسین علیه السلام،^۳ بیش از ده روایت دربارهٔ منع حضرت توسط برخی از افراد سرشناس از رفتن به کوفه،^۴ بیش از بیست روایت دربارهٔ شرح قیام امام حسین علیه السلام و خطبه‌های حضرت در روز عاشورا،^۵ بیش از بیست خبر دربارهٔ حوادث خارق‌العاده و غریب پس از شهادت امام،^۶ بیست خبر دربارهٔ کیفرها و بلاهایی که قاتلان امام علیه السلام در دنیا به آن مبتلا شدند^۷ و باقی گزارش‌ها، اخبار پراکنده‌ای دربارهٔ موضوعات مختلف است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ابن‌عساکر در مقایسه با حجم این ترجمه، اخبار اندکی، یعنی تنها کمی بیش از بیست خبر به شرح قیام و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و مهم‌تر از همه، هدف و فلسفهٔ قیام حضرت اختصاص داده است، چراکه او به اقتضای آن‌که دمشق و ساکن شام بوده است، همانند بسیاری از مورخان شامی، اموی مسلک بوده که از بنی‌امیه جانب‌داری خاصی کرده و در مقابل، به خاندان پیامبر ﷺ چندان عنایت و محبتی نداشته‌اند. از این رو چنان‌که بایسته است به شرح جنایات و ستم‌هایی که بنی‌امیه بر امام حسین علیه السلام، خاندان و یارانش، در این واقعه روا داشتند، نپرداخته است.

۱. ابن‌عساکر، ترجمة ریحانة رسول‌الله الامام الحسين علیه السلام، ص ۲۰ - ۴۰، حدیث ۳۸۰-۱۰ و ص ۴۱۲ - ۴۴۳، حدیث ۳۴۹ - ۳۹۶.
۲. همان، ص ۵۱ - ۱۹۹، خبر شماره ۵۵ - ۱۷۷.
۳. همان، ص ۲۳۶ - ۲۷۵، حدیث ۲۱۳ - ۲۴۰ و ص ۳۴۱ - ۳۴۴، خبر ۲۷۸ - ۲۸۰.
۴. همان، ص ۲۷۸ - ۲۸۵، حدیث ۲۴۴ - ۲۵۴ و نیز ص ۲۸۸، ۲۹۳ و ۲۹۸.
۵. همان، ص ۲۸۷ - ۳۲۵ و ۳۴۰، خبر ۲۵۵ - ۲۷۷.
۶. همان، ص ۳۵۳ - ۳۶۷، حدیث ۲۸۷ - ۳۰۹.
۷. همان، ص ۳۶۸ - ۳۷۶، حدیث ۳۱۰ - ۳۱۷ و ص ۴۴۶ - ۴۴۸، حدیث ۳۹۸ - ۳۹۹.

نکته آخر آن که در قرن هشتم، میزی^۱ (م ۷۴۲ ق) و ذهبی^۲ (م ۷۴۸ ق) بخشی از نگاهشده‌های خود را به اخبار مربوط به زندگی و قیام امام حسین علیه السلام اختصاص داده‌اند که بسیاری از گزارش‌های آنان همان گزارش‌های ابن عساکر است.

۲۶. مناقب آل ابی طالب؛ ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)

ابن شهر آشوب به مناسبت پرداختن به شرح زندگانی، مناقب و فضایل امام حسین علیه السلام، بخشی از مباحث این باب را به گزارش مقتل امام حسین علیه السلام اختصاص داده است. وی پس از اختصاص چند فصل به معجزات، مناقب و مکارم اخلاق حضرت، حوادث خارق‌العاده پس از شهادت حضرت، برخی از اخبار مربوط به اظهار علاقه و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان و بیان تاریخ ولادت و القاب حضرت، به گزارش واقعه عاشورا پرداخته است.

چنان‌که از نام این کتاب پیداست، این اثر نوشته‌ای تاریخی نیست، بلکه نویسنده در صدد جمع‌آوری و گزارش اخباری درباره مناقب و فضایل امامان علیهم السلام بوده است که در کنار آن به برخی از حوادث عصر آنان - بدون توجه چندانی به ترتیب زمان وقوع آن‌ها - اشاره کرده است. او در قسمتی که به مناقب و فضایل امام حسین علیه السلام پرداخته، به سبب اهمیت قیام عاشورا، بیشترین مطالب خود را به این موضوع اختصاص داده است. البته به سبب اجتناب از تفصیل و تطویل کتابش، این حادثه را به اجمال و اختصار گزارش کرده و علاوه بر این‌که در مواردی، ترتیب حوادث را چندان رعایت نکرده، به سبب گزینش برخی از حوادث نیز به بسیاری از حوادث، اشاره نکرده است.

وی روایاتی را از امام سجاده، امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام درباره زندگی، مناقب و حادثه عاشورا و مقتل امام حسین علیه السلام آورده است. افزون بر این، او از منابعی چون انساب الاشراف بلاذری، تاریخ طبری، مقتل ابن بابویه، فضائل العشرة

۱. جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف میزی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۶، ص ۳۹۶ - ۴۴۹، شماره ۱۳۲۳.

۲. شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۸۰ - ۳۲۱، شماره ۴۸.

ابوالسعادات، حلیه (الاولیاء) ابونعیم اصفهانی و از افرادی همانند ابومخنف، شعیب بن عبدالرحمان خزاعی، سید جرجانی، ابن مهدی مامطیری، عبدالله بن احمد بن حنبل، شاکر بن غنم و ابوالفضل هاشمی، گزارش های این باب را روایت کرده است. چند نکته درباره اخبار و گزارش های ابن شهر آشوب، شایان توجه و تأمل است: اول، آنکه او تنها کسی است که پس از ابن اعثم، ناقل سخن معروف امام حسین علیه السلام یعنی «انی لم اخرج بطراً ولا اشراً...» است، البته با این تفاوت که او این سخن مشهور را پاسخ حضرت (نه وصیت نامه به محمد حنفیه) به افرادی همانند محمد حنفیه، عبدالله بن مطیع و ابن عباس دانسته که خواستند حضرت را از رفتن به عراق بازدارند.^۱

دوم، آنکه اگرچه ابن شهر آشوب برخی از اخبار ابومخنف را آورده است، اما او در چند مورد نیز اخباری را به ابومخنف نسبت داده^۲ که افزون بر آنکه مضمون آن ها نامعقول و غیر قابل پذیرش است، در اخبار به جای مانده از ابومخنف در منابع معتبر و کهن، موجود نیست. از این رو به نظر می رسد اخبار جعلی منسوب به ابومخنف در عصر ابن شهر آشوب رایج بوده که وی برخی از آن ها را نقل کرده است.

سوم، آنکه اگرچه نویسنده تصریح نکرده که گزارش مبارزه و رجز اصحاب امام حسین علیه السلام را از فتوح ابن اعثم گرفته است، اما با اندکی بررسی و مقایسه بین دو گزارش، و شباهت بسیار گزارش ابن شهر آشوب با گزارش ابن اعثم، به سهولت دانسته می شود که ابن شهر آشوب در نگارش این قسمت از گزارش خود، از کتاب ابن اعثم بهره برده است.^۳

چهارم، آنکه ابن شهر آشوب تنها گزارش گر متقدم برخی از گزارش ها درباره ابن واقع است که برخی از آن ها را نمی توان پذیرفت. برای نمونه، او آمار کشته های

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۹۶ - ۹۷.

۲. همان، ص ۶۵ - ۶۶.

۳. همان، ص ۱۰۹ - ۱۱۸ مقایسه شود با: ابن اعثم، کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۱۰۱ - ۱۱۵. البته ابن شهر آشوب پس از نقل رجز و گزارش مبارزه هر یک از اصحاب، آمار کشتگان سپاه عمر سعد توسط هریک از اصحاب امام حسین علیه السلام را افزوده است که معلوم نیست آمار یاد شده را از کدام منبع گرفته است.

دشمن را به دست امام حسین علیه السلام (به جز مجروحان) ۱۹۵۰ نفر نگاشته است^۱ که به هیچ رو نمی توان آن را پذیرفت. هم چنین او گزارش شهادت حضرت عباس را متفاوت از شیخ مفید و به گونه ای دیگر نوشته است که به نظر می رسد بعدها این گزارش با اضافات و شاخ و برگ هایی، در نگاشته های قرن های بعد آورده شده و محتوای مرثیه و روضه حضرت عباس در عصر کنونی شده است، در حالی که اضافات یاد شده مأخذ معتبری ندارد.

پنجم، آنکه این اثر، کهن ترین منبع رجزهای حضرت عباس و برخی از رجزهای امام حسین علیه السلام^۲ در روز عاشورا است که در هیچ یک از منابع متقدم بر این نگاشته، نیامده و خود او مأخذ مشخصی برای این رجزها بیان نکرده است. این رجزها سال هاست که در محافل و منابر، از شهرت خاصی برخوردار است.

۲۷. المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک؛ ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد ابن جوزی (م ۵۹۷ ق) ابن جوزی به مناسبت حوادث سال ۶۰ و ۶۱ ق بخشی از نگاشته خود را به تاریخ واقعه عاشورا اختصاص داده است.^۳ عمده شیوه گزارش او ترکیبی و با حذف اسناد است و اخبار او شباهت زیادی به گزارش های طبری در این باره دارد. البته او در مواردی نیز برخی از اخبار متفرقه را با اسنادش آورده است.^۴

۲۸. الکامل فی التاریخ؛ عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم، معروف به «ابن اثیر» (م ۶۳۰ ق) ابن اثیر سه قرن پس از طبری، کتاب الکامل فی التاریخ را نگاشت و - چنانکه خود در مقدمه یادآورنده است -^۵ بیشترین نقل های او در این کتاب (تا آخر قرن سوم) برگرفته از تاریخ طبری است. او در حوادث سال ۶۰ و ۶۱ ق گزارش مقتل

۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۰.

۲. همانند رجز: «انا الحسین بن علی احمی عیالات ابی ...».

۳. ابن جوزی، المنتظم، ج ۵، ص ۳۲۲ - ۳۲۹ و ۳۳۵ - ۳۴۷.

۴. همان، ج ۵، ص ۳۴۲ - ۳۴۶.

۵. ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۱، ص ۵.

امام حسین علیه السلام را از گزارش های طبری گرفته و به اختصار و با حذف اسناد نگاشته است.^۱ البته او - چنان که باز در مقدمه کتابش یادآور شده -^۲ برخی از گزارش ها را در لابه لابه^۳ یا در پایان گزارش مقتل امام حسین علیه السلام برگزارش طبری افزوده است.^۴ هم چنین ابن اثیر در اثر دیگرش به نام *اسد الغابه فی معرفة الصحابه* پنج صفحه از اثر خود را به اخباری درباره تاریخ ولادت، شهادت و برخی از مناقب امام حسین علیه السلام و شرح مختصری از قیام حضرت اختصاص داده است.^۵ وی درباره قاتل امام حسین علیه السلام پس از نقل چند قول، می گوید: صحیح آن است که سنان بن انس، حسین بن علی علیه السلام را کشت.^۶

۲۹. *مشیر الاحزان؛ نجم الدین جعفر بن محمد بن جعفر بن ابی البقاء هبة الله بن نما*، مشهور به «ابن نما حلّی» (م ۶۴۵ ق)^۷

ابن نما این اثر را درباره واقعه عاشورا در سه مقصد، تدوین و تنظیم کرده است: مقصد نخست، درباره امور پیش از نبرد روز عاشورا، از قبیل تاریخ ولادت امام حسین علیه السلام و پیش گویی رسول خدا صلی الله علیه و آله از شهادت حضرت و سیر حوادث نهضت عاشورا از مرگ معاویه و بیعت خواهی یزید و خروج امام علیه السلام از مدینه تا ورود به کربلا و هم چنین شرح فعالیت ها و قیام مسلم بن عقیل است. مقصد دوم، به بیان مختصر حوادث روزهای اقامت در کربلا و شب و روز عاشورا و کیفیت نبرد و جانبازی و شهادت اصحاب و بنی هاشم و در نهایت، شهادت امام حسین علیه السلام

۱. همان، ج ۳، ص ۲۶۳ - ۳۰۳.

۲. همان.

۳. مانند نقل دو بیت از عمر سعد: «الترک ملک الری و الری رغبة...» (همان، ج ۳، ص ۲۸۳).

۴. همانند نقل دو خبر درباره شهادت امام حسین علیه السلام از ابن عباس و ام سلمه (همان، ج ۳، ص ۳۰۳).

۵. ابن اثیر، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، ج ۲، ص ۱۸ - ۲۲.

۶. همان، ص ۲۱.

۷. در سال درگذشت او اختلاف است، شیخ آقا بزرگ سال ۶۴۵، دانسته است *(الدریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۱۳، ص ۱۷۰ و ج ۱۹، ص ۳۴۹)، اما محدث قمی سال یاد شده را سال درگذشت پدر وی، نجیب الدین دانسته و سال وفات نجم الدین را بیان نکرده است *(الکنی و الالقاب*، ج ۱، ص ۴۴۲).

و برخی از حوادث پس از شهادت حضرت اختصاص یافته است. مقصد سوم، دربارهٔ امور پس از شهادت و شرح اسارت اهل بیت به کوفه، شام و بازگشت به مدینه است.

خوانساری نگاشته است که شهید ثانی احتمال داده است که *مثیر الاحزان* و اثر دیگر او با عنوان *ذوب النصار* از آثار او نباشد، بلکه نگاشته نوهٔ او که هم نام او بوده باشد،^۱ اما علامه سید محسن امین این سخن را مردود دانسته و گفته است که اساساً معلوم نیست که او نوه‌ای، هم نام خود داشته است.^۲

۳۰. الحدائق الوردیه فی مناقب الأئمة الزیدیه؛ حمید بن احمد بن محمد محلی (م ۶۵۲ ق)

محلی از علما و اندیشمندان زیدیه، در این اثر به تناسب بحث از امامانی که قیام مسلحانه بر ضد حاکمان زمان خود کرده‌اند، نزدیک به پنجاه صفحه^۳ از حجم نگاشته خود را به گزارش قیام امام حسین علیه السلام اختصاص داده است. او پس از بیان اخباری دربارهٔ ولادت، ویژگی‌ها، صفات و مناقب حضرت، قیام عاشورا را به اختصار و بر اساس اخبار مشهور گزارش کرده است. از نکات شایان توجه در گزارش وی، یادآوری اسامی شهدای کربلاست که با مقایسهٔ آن با گزارش فضیل بن زبیر در این باره، معلوم می‌شود که او بخش عمدهٔ آن را بدون اشاره به این که از فضیل گرفته از نگاشته وی نقل کرده است. از گزارش‌های دیگر وی، بیان حوادث پس از شهادت امام علیه السلام و بردن اسرای اهل بیت علیهم السلام به کوفه و شام و احتجاجات آنان و در نهایت، بازگشت‌شان به مدینه است. وی هم چنین جریان زیارت قبر امام حسین علیه السلام توسط جابر و عطیه عوفی و تخریب قبر حضرت توسط متوکل را گزارش کرده است. چند صفحهٔ آخر گزارش محلی، نقل اشعار برخی از شاعران در رثای امام حسین علیه السلام است. از گزارش‌های قابل توجه وی، تعیین سال ولادت حضرت علی اکبر است.

۱. محمدباقر موسوی خوانساری، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. سید محسن امین عاملی، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۱۵۶.

۳. محلی، *الحدائق الوردیه فی مناقب الأئمة الزیدیه*، ج ۱، ص ۱۸۸-۲۳۴.

وی دو سال مانده از خلافت عثمان، یعنی سال ۳۳ ق را سال ولادت وی دانسته است.^۱ این در حالی است که برخی منابع متقدم، همانند مقاتل الطالبيين، تنها به دنیا آمدن حضرت علی اکبر در روزگار خلافت عثمان را (بدون تعیین سال آن) گزارش کرده اند. در مجموع می توان گفت: نویسنده در گزارش حوادث پس از شهادت امام علیه السلام، بیشتر متأثر از کتاب مقتل الحسين خوارزمی است.

۳۱. تذكرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمة علیهم السلام؛ یوسف بن قزغلی بغدادی، معروف به «سبط ابن جوزی» (م ۶۵۴ ق)

سبط ابن جوزی نزدیک به یک سوم از جلد دوم این کتاب را در قالب باب نهم، به شرح زندگانی و قیام امام حسین علیه السلام اختصاص داده است.^۲ وی در آغاز پس از آن که به کنیه، القاب و تاریخ ولادت حضرت اشاره کرده، برخی از اخبار مربوط به منزلت و جایگاه خاص حسنین علیهم السلام را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز برخی از گزارش ها را درباره مواضع امام حسین علیه السلام در برابر خلیفه دوم و مروان آورده است. او سپس ذیل عنوان «ذکر سیره مختصراً» به اخبار نهضت کربلا که با مرگ معاویه و بیعت ستانی یزید آغاز می گردد پرداخته است. یکی از گزارش هایی که تنها وی آن را به تفصیل آورده است، گزارش محتوای نامه یزید به ابن عباس مبنی بر بازداشتن امام حسین علیه السلام از قیام، و پاسخ ابن عباس به وی است.^۳ او در ادامه، به جریان قیام و شهادت مسلم در کوفه، رفتن امام حسین علیه السلام به عراق و شهادت حضرت و یارانش، و اسامی شهدای بنی هاشم پرداخته است. وی درباره کشنده امام حسین علیه السلام چندین قول را بیان کرده و سپس گفته است که صحیح تر آن است که سنان بن انس نخعی با مشارکت شمر، حضرت را کشتند.

بحث بعدی سبط ابن جوزی درباره بردن اسرا به همراه سرها به کوفه و شام

۱. همان، ص ۲۰۱.

۲. سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمة، ج ۲، ص ۱۱۵ - ۲۸۲.

۳. همان، ص ۱۳۳ - ۱۳۶. ابن سعد به اختصار به نامه و پاسخ آن پرداخته است (ترجمة الحسين علیه السلام و مقتله، ص ۵۹ - ۶۰).

است. او درباره مکان دفن سر امام علیه السلام پنج قول بیان کرده و در پایان نگاشته است که هر جاکه سر و پیکر او باشد، او در قلبها و دلها جای داشته و در اعماق دلها و خاطرهها زنده است.^۱ برخی از مطالب دیگر این باب عبارت اند از: برخی از مراثی درباره حسین علیه السلام، بیان سرخی که پس از شهادت حضرت در آسمان ظاهر شد و آنچه به آن ملحق می شود، نامه یزید به ابن عباس (پس از شهادت امام علیه السلام) و پاسخ وی، فرزندان حسین علیه السلام، عقوبت کشتندگان و انتقام از ستمکاران حسین علیه السلام (و قیام توأبین و مختار و قتل ابن زیاد) و فصلی درباره (جواز لعن) یزید بن معاویه.

یکی از گزارشهای قابل توجه در این کتاب، کیفیت شهادت طفل شیرخوار به روایت هشام کلبی (شاگرد ابومخنف) است که با گزارشهای منابع متقدم این تفاوت را دارد که چون طفل شیرخوار از تشنگی گریه می کرد، امام علیه السلام او را روی دستش گذاشته و خطاب به سپاه عمر سعد فرمود: «ای قوم، اگر بر من رحم نمی کنید، بر این طفل رحم کنید»، پس مردی از سپاه دشمن تیری به طفل زد و او را کشت...^۲

نکته شایان توجه دیگر درباره این اثر آنکه برخی از مقاتلی که اکنون موجود نیست و تنها برخی از اخبار آن در برخی آثار مورخان متقدم آمده است، نزد سبط ابن جوزی موجود بوده و او برخی از اخبار آنها را نقل کرده است، چنانکه در چند جا از مقتل الحسین محمد بن هشام کلبی،^۳ واقدی،^۴ مدائنی،^۵ ابن ابی الدنيا،^۶ اخباری را نقل کرده است. این نکته، حاکی از آن است که مقاتل یاد شده تا قرن هفتم و پیش از یورش مغول به بلاد اسلامی، موجود بوده است.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۶ - ۲۰۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۰۳ و ۲۰۶ - ۲۰۷.

۴. همان، ص ۱۳۳ - ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۸ - ۱۹۹ و ۲۰۹.

۵. همان، ص ۱۷۹، ۱۸۷ و ۲۲۵.

۶. همان، ص ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۷ و ۱۹۹ - ۲۰۰.

۳۲. دُزْرِ البِیْضِ فی خَبرِ البَیْضِ؛ محمد بن عبدالله بن ابی بکر قضاعی، معروف به «ابن اَبارِ بَلَنَسِ» (م ۶۵۸ ق) این اثر، مرثیه‌ای منثور برای امام حسین علیه السلام و خاندانش است، چنان‌که اثر دیگر او معادن اللجین فی مرثی الحسین علیه السلام مرثیه‌ای منظوم در این باره است. نثر این کتاب، پیچیده، مسجع و دارای آرایه‌های ادبی، و انشای آن به سبک مقامات بوده و متن آن، مختصر است. این اثر در ۱۲۶ صفحه با پاورقی‌های مصحح و محقق آن چاپ شده است که مصحح آن تا صفحه ۶۰ (در قالب پنجاه صفحه) به شرح زندگی و جایگاه علمی او و این کتاب پرداخته است. از ۶۶ صفحه باقیمانده، حدود نیمی از آن، پاورقی است. بنابراین، متن کتاب بیش از سی صفحه نیست که از این مقدار، حدود پانزده صفحه آن درباره امام حسین علیه السلام است.^۱

مطالب این کتاب، عنوان ندارد و تنها هر قسمت با عنوان «فصل» از قسمت دیگر جدا شده است. نویسنده در بحث از قیام عاشورا، به نامه نگاری کوفیان و روانه شدن مسلم به کوفه و خروج امام از مکه و رفتن به سوی کوفه و ملاقات با حر و در نهایت، شهادت حضرت اشاره کرده است. ستایش‌های او از امام حسین علیه السلام و در مقابل، نکوهش‌های وی از یزید، برخی را به این گمان واداشته است که او شیعه بوده است.^۲ در اوایل قرن یازده، ابو جمعه سعید بن مسعود ماغوسی (م ۱۰۱۶ ق)، با بهره گرفتن از پانصد کتاب، شرحی را برای این اثر با عنوان نظم القرائد الغررفی سلک فصول الدرر نوشت.^۳

۳۳. ترجمه الامام الحسین علیه السلام (من کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب)؛ کمال الدین عمر بن احمد بن ابی جرادة حلبی، مشهور به «ابن عدیم» (م ۶۶۰ ق)

این اثر ۲۴۸ حدیث و گزارش درباره امام حسین علیه السلام و عاشورا دارد و از کتاب مفصل

۱. فصول مربوط به امام حسین علیه السلام از صفحه ۹۳ به بعد است.

۲. شیخ آقا بزرگ، همان، ج ۴، ص ۴۰۹ و ج ۸، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

۳. برای آگاهی بیشتر درباره این اثر، رک: سید عبدالعزیز طباطبایی، اهل البیت علیهم السلام فی المکتبة العربیة، ص ۱۶۵ - ۱۶۷ و ۶۴۷ - ۶۴۸.

ابن عدیم، توسط برخی از محققان معاصر، استخراج، تصحیح و تحقیق شده است. ساختار روایی این ترجمه از نظر موضوعات و مباحثات، به جز بخش مقتل آن، همانند اثر ابن عساکر است. البته - چنانکه نویسنده خود تصریح کرده - همه بخش مقتل این اثر را از کتاب الاخبار الطوال دینوری گرفته است.^۱

۳۴. الملهوف علی قتلی الطفوف؛ علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م ۶۶۴ ق)

سید ابن طاووس ساختار و فصول این اثر را همانند ابن نما در سه مسلک، مشابه عناوین مثير الأحزان تدوین و نگارش کرده است: مسلک نخست، امور متقدم بر جنگ؛ مسلک دوم، شرح نبرد روز عاشورا و امور نزدیک به آن؛ مسلک سوم، حوادث پس از شهادت.

وی هدف از نگارش چنین کتابی را به همراه داشتن زائران امام حسین علیه السلام کتاب مقتلی ضمیمه مصباح الزائر و جناح المسافر بیان کرده است تا آنان را از داشتن مقتل دیگری بی نیاز کند. هم چنین او این مقتل را به اختصار نوشته است تا متناسب با تنگی وقت زائران باشد.^۲ از نظر وی، هر کس از ترتیب و نگارش این کتاب آگاه شود، به سبب اختصار و حجم اندک آن، تفاوت و امتیازش را در مقایسه با آثار دیگر، درک می کند.^۳ اگرچه ابن طاووس - به ادعای خود - در نگارش و تدوین چنین اثری با ساختار و ویژگی های ویژه خود، گوی سبقت را از دیگران ربوده است،^۴ اما اخبار و گزارش ها و شیوه گزینش و چینش مطالبش شباهت های بسیاری با مثير الأحزان ابن نما دارد، چندان که به یقین می توان گفت یکی از دیگری گرفته است، اما این که کدام یک برگرفته از دیگری است، داوری در این باره در بدو امر، مشکل به نظر می رسد. البته

۱. ابن عدیم، ترجمه الإمام الحسين علیه السلام، ص ۱۴۱ - ۱۵۶، مقایسه شود بخش مقتل این کتاب با گزارش دینوری در این باره در کتاب: الاخبار الطوال، ص ۲۴۷ - ۲۶۱.

۲. سید ابن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۲۳۴.

۴. محمد اسفندیاری، کتابشناسی تاریخ امام حسین علیه السلام، ص ۸۰ به نقل از: سید ابن طاووس، الاجازات لكشف طرق المفازات فیما یخصنی من الاجازات، ص ۶۵.

برخی قراین حاکی از آن است که ابن طاووس از ابن‌نما گرفته است، هر چند ابن طاووس نه تنها در هیچ جای این اثر به این نکته اشاره نکرده، بلکه - چنان‌که گفته شد - او در جای دیگر گفته است هیچ کس بر او در نگارش چنین کتابی سبقت نگرفته است. یکی از شواهد چنین دیدگاهی آن است که ابن طاووس، ملهوف را در دوره جوانی خویش نگاشته، و به طور طبیعی وی در این زمان، از بضاعت و احاطه علمی چندانی نداشته است تا چنین اثری را سامان دهد، از این رو محتمل است که نگاشته‌ای همانند *مثیر الأحزان* در دست‌رس او بوده و او با بهره‌گیری از ساختار و محتوای مطالب و اخبار آن، اثر خود را نگاشته باشد.

هم‌چنین این ادعا را می‌توان با اندکی بررسی و مقایسه بین گزارش‌های این دو اثر از نظر محتوا و نوع چینش مطالب، تقویت کرد، چرا که گزارش‌های ابن‌نما مفصل‌تر و پای‌بندتر به گزارش‌های کهن از جهت عبارات و تعابیر است، اما گزارش‌های ابن طاووس در بسیاری موارد، مختصر و برخی از عبارات، تعابیر خود نویسنده است.

یکی از گزارش‌های منحصر به فرد سید ابن طاووس، حدیث مشهور «مشیت» یا همان گزارش گفت‌وگوی میان محمد حنفیه و امام حسین علیه السلام هنگام خروج حضرت از مکه است و دو جمله مشهور حضرت از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله: یکی، «ان الله شاء أن یراک فتیلاً» در بیان این‌که چرا او از مکه خارج می‌شود؟ و دیگری، «ان الله شاء أن یراهن سبایا» در پاسخ این‌که چرا حضرت زنان را همراه خود می‌برد؟^۱

اگرچه این گزارش در هیچ منبع موجود متقدم بر ملهوف نیامده است، اما بنا بر برخی از نسخه‌های ملهوف، ابن طاووس این گزارش را از منبع کهنی به نام «اصل احمد بن حسین بن عمر بن بریده» که اساساً اصل یاد شده از شخص دیگری به نام محمد بن داود قمی بوده، نقل کرده است.^۲

افزون بر این، برخی از گزارش‌های این نگاشته، برگرفته از مقتل خوارزمی است

۱. سید ابن طاووس، *المهوف علی قتلی الطفوف*، ص ۱۲۷.

۲. همان.

که - چنانکه گفته شد - خوارزمی نیز از فتوح ابن اعثم گرفته است، چنانکه جمله مشهور «ما رایت الا جمیلا»^۱ منسوب به حضرت زینب علیها السلام، برگرفته از مقتل خوارزمی است که او نیز از ابن اعثم گرفته است.

۳۵. کشف الغمہ فی معرفة الائمه علیهم السلام؛ علی بن عیسیٰ اربلی (م ۶۹۲ ق)

اربلی این اثر را در قرن هفتم و به منظور گزارش تاریخ امامان علیهم السلام نگاشته و بخشی از مطالب اثر خود را که نزدیک به یک چهارم جلد دوم است^۲ به شرح زندگی امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا (در قالب دوازده فصل و یک بحث دربارهٔ امور واقع شده پس از شهادت حضرت) اختصاص داده است. عناوین فصول چنین است: ۱. در ولادت امام حسین علیه السلام، ۲. در نسب حضرت، ۳. در نامگذاری وی، ۴. در کنیه و لقب او، ۵. در آنچه از پیامبر در حق و دربارهٔ امامتش وارد شده است، ۶. در شجاعت و بزرگواری حضرت، ۷. در بخشش او، ۸. در بیان سخن او، ۹. فرزندان وی، ۱۰. عمر حضرت، ۱۱. در خروج حضرت به سوی عراق، ۱۲. در کشته شدن وی.

بنابر گفتهٔ خودش، جلد نخست این کتاب را که مربوط به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام است، در سال ۶۷۸ ق^۳ و جلد دوم آن را که مربوط به زندگی حضرت زهرا علیها السلام و امامان دیگر است در سال ۶۸۷ ق به پایان رسانده است.^۴ وی در نگاشتهٔ خود از منابعی، از قبیل *مقتل الحسین و اقلدی*، *ترجمة الحسین و مقتله ابن سعد*، *کتاب الفتوح ابن اعثم*، *الارشاد شیخ مفید*، *حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی*،

۱. همان، ص ۲۰۱. برای آگاهی از شخصیت، زندگی اربلی و کتاب *کشف الغمہ* و دیگر آثار او، رک: رسول جعفریان، *علی بن عیسیٰ اربلی و کشف الغمہ*، و نیز اربلی، *کشف الغمہ*، مقدمه محقق کتاب، ج ۱، ص ۷-۱۴۵.

۲. اربلی، *کشف الغمہ فی معرفة الائمه*، ج ۲، ص ۴۲۹-۵۵۴.

۳. همان، ص ۱۳۶.

۴. همان، ج ۱، مقدمه محقق، ص ۶۴. اما شیخ آقا بزرگ، تاریخ نگارش آن را سال ۶۸۲ ق دانسته است (همان، ج ۱۸، ص ۴۷).

تاریخ موالید الاثمه علیهم‌السلام و وفیاتهم ابن خشاب، مطالب السؤل محمد بن طلحه شافعی، معالم العترة الطاهرة عبدالعزیز بن اخضر جنابذی (گنابادی) و... بهره برده است. البته بسیاری از مطالب این بخش را از دو منبع اخیر، نقل کرده است.

از آن‌جا که شیوه نگارش اربلی گردآوری اخبار از منابع مختلف است، تنظیم مطالب آن نیز با توجه به منبع مورد استفاده، تفاوت دارد. برای مثال، در برخی موارد، سلسله روایان خبر را آورده و در مواردی مطالب را به شیوه ترکیبی آورده است. نثر اربلی، مسجع و ادیبانه است. او در برخی موارد نیز بخشی از نگاشته کتاب مطالب السؤل ابن طلحه شافعی را که نثر او نیز مسجع و ادیبانه است، نقل کرده و مطالب خود را پیش یا پس از او، همانند قلم و نثر وی آورده است.^۱

او در چند جا، اشعاری را از دیوان ابومخنف آورده است^۲ که معلوم می‌شود در آن عصر، دیوانی منسوب به ابومخنف نزد وی بوده و او از آن‌جا نقل کرده است، چنان‌که در جای دیگر گفته است که ابومخنف شعر معروف «غدر (کفر) القوم و قدما رغبوا» را در دیوانش نیاورده است.^۳

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۳۶. الکامل فی السقیفه؛ (کامل بهائی) حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری، مشهور به «عمادالدین طبری» (زنده تا ۷۰۱ ق)

طبری چنان‌که خود گفته است این اثر را نزدیک به دوازده سال، تدوین و نگارش کرده و در سال ۶۷۵ ق آن را به پایان رسانده است.^۴ این کتاب در ۲۸ باب که هر بابی شامل چند فصل است، فراهم آمده است. او فصول پایانی کتاب، یعنی فصل هفدهم و هیجدهم را از باب بیست و هفتم، و شش فصل اول از هفت فصل باب بیست و هشتم را در قالب ۳۴ صفحه، به گزارش واقعه کربلا از آغاز تا فرجام، اختصاص داده است.

۱. برای نمونه، رک: اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۴۹ - ۴۶۸، فصل‌های مربوط به علم، شجاعت و بخشش امام علیه‌السلام.
۲. همان، ص ۴۸۲ - ۴۸۹.
۳. همان، ص ۴۸۹.
۴. عمادالدین طبری، الکامل فی السقیفه، ج ۲، ص ۳۰۶.

او در گزارش این واقعه، بدون آنکه سخنی از منابع مورد استنادش به میان آورد، عمدتاً همان گزارش‌های مشهور منابع کهن را آورده است، اما در مواردی، برخی از گزارش‌ها را آورده که در منابع کهن یافت نمی‌شود. برای نمونه، وی در گزارش خروج امام حسین علیه السلام از مدینه، نوشته است که حسین علیه السلام همه بنی‌هاشم را به جز محمد حنفیه، بر ۲۵۰ شتر سوار کرده و به قیس بن سعد بن عباده گفت که با دوستان نفر از عقب وی بیاید تا اگر مأموران حاکم مدینه در صدد دست‌گیری آنان باشد، آنان به همراه حضرت بر فرستادگان حاکم مدینه یورش برده و همگی را بکشند^۱ هم‌چنین جریان بریدن سر امام از قفا،^۲ دفن بدن حربن یزید ریاحی توسط خویشانش در محل شهادتش،^۳ گزارش قول دیگر درباره دفن شهدا توسط یهودیان ساکن در نزدیکی کربلا،^۴ ورود اسرای اهل بیت علیهم السلام در شانزدهم ربیع‌الاول^۵ و وفات حضرت ام‌کلثوم در دمشق^۶ از دیگر گزارش‌های منحصر به فرد طبری است.

نتیجه‌گیری

از بررسی آثار مربوط به واقعه عاشورا که در این مقطع نگاشته شد، این نتیجه به دست می‌آید که مقاتل و آثاری که از قرن دوم تا هفتم نگاشته شده از نظر قدمت، اعتبار و اتقان گزارش، از ارزش و اعتبار، برخوردار هستند. این امر از آن روست که مورخان اولیه تاریخ عاشورا، همانند ابو مخنف، هشام کلبی و...، واقعه عاشورا را در قالب روایت و با ذکر اسناد، گزارش کرده‌اند. البته به تدریج مورخانی همانند بلاذری، دینوری، یعقوبی و شیخ مفید پای به عرصه وجود گذاشتند که به سبب رعایت اختصار، ضمن مطالعه و بررسی در اخبار متعدد و مفصل، و گاه ناهم‌خوان و

۱. همان، ص ۲۷۱.

۲. همان، ص ۲۸۷.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۸۸.

۵. همان، ص ۲۹۳.

۶. همان، ص ۳۰۲.

متناقض در تاریخ عاشورا، ضمن‌گزینش، تلفیق و ترکیب و حذف تفصیل و اسناد آن‌ها، گزارش‌های مربوط به این واقعه را به اختصار روایت کردند، البته با مقایسه گزارش‌های این دسته از مورخان با اخبار مورخان و مقتل‌نوسان اولیه، هم‌گونی و هم‌سویی میان این دو نوع روایت، در بیشتر موارد دیده می‌شود. در این میان، برخی از مورخان همانند ابن‌اعثم کوفی - به سبب استعداد و ذوق خاص خویش در داستان‌سرایی و قصه‌پردازی - برخی اخبار را درباره این حادثه افزوده است که در گزارش‌های کهن، یا اساساً وجود ندارند و یا با آن تفصیل و در قالب قصه‌پردازی، نمی‌توان یافت. از این رو بایستی در بهره‌گیری از این گونه روایات، با احتیاط رفتار کرد. اما به هر تقدیر، عمده منابع تاریخ عاشورا تا قرن هفتم، از اعتبار و ارزش قابل توجهی برخوردارند. اما از قرن هشتم به بعد، به سبب استیلای ویران‌گر و فرهنگ‌سوز مغولان بر قلمرو حکومت اسلامی، و نابودی بخش بزرگی از میراث علمی مسلمانان و به‌ویژه شیعه که از جمله، برخی از منابع معتبر تاریخ عاشورا بود و اعتماد و بهره‌گیری بسیاری از مورخان این مقطع از منابع ضعیف و غیر قابل اعتماد، در کنار رو آوردن به نقل داستان‌ها و افسانه‌های جعلی و غیر قابل اعتماد، آثار مقطع یاد شده، از اعتبار چندانی برخوردار نیست و تنها اخبار و گزارش‌های نقل شده از منابع کهن و معتبر در آثار یاد شده، قابل اعتنا و اعتماد است.

فهرست منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، محسن بن علی بن محمد رضا، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن ابی طیفور بغدادی، ابوالفضل بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، [بی‌تا].
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار الکتب العربی، [بی‌تا].
۴. _____، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران، انتشارات اسماعیلیان، [بی‌تا].
۵. ابن‌اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
۶. ابن تغری بردی اتابکی، جمال‌الدین ابوالعباس یوسف، النجوم الزاهره فی احوال ملوک مصر و القاهره، قاهره، وزارة الارشاد القومي، [بی‌تا].
۷. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۹. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم بن ابی بکر، وفيات الاعیان و ابناء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار الثقافة، [بی تا].
۱۰. ابن سعد، محمد، ترجمة الامام الحسين عليه السلام ومقتله، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، قم، مؤسسة اهل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.
۱۱. ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف بقاعی، [بی جا]، انتشارات ذوالقربی (افست دار الاصواء)، ۱۳۷۹.
۱۲. ابن عبدالبر قرطبی، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن عبد ربه اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفريد، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ابن عدیم، احمد بن ابی جراده حلبی، ترجمة الامام الحسين عليه السلام از کتاب: بغية الطلب فی تاریخ حلب، تصحیح سید عبدالعزیز طباطبایی، تحقیق محمد طباطبایی، قم، دلیل ما، ۱۴۲۳ق.
۱۵. ابن عساکر دمشقی، ابوالقاسم علی بن حسن ابن هبة الله، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۶. ترجمة ريحانة رسول الله الامام الحسين عليه السلام از: تاریخ مدينة دمشق، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع إحياء الثقافة الاسلاميه، ۱۴۱۴ق.
۱۷. ابن قتال نیشابوری، محمد، روضة الواعظین، تحقیق سید محمد مهدی سید حسن خراسان، قم، منشورات الرضی، [بی تا].
۱۸. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحاق، کتاب الفهرست، تحقیق رضا تجدد، [بی جا، بی نا، بی تا].
۱۹. ابن نما حلی، نجم الدین محمد بن جعفر، مثير الأحران، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۶۹ق.
۲۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن محمد، مقاتل الطالبیین، با مقدمه کاظم مظفر، قم، مؤسسه دار الکتب، ۱۳۸۵ق.
۲۱. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمه فی معرفة الاثمه، تحقیق علی فاضلی، [بی جا]، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت عليهم السلام، ۱۴۲۴ق.
۲۲. اسفندیاری، محمد، کتابشناسی تاریخی امام حسین عليه السلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۳. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۴. امینی نجفی، عبدالحسین، القدير، چاپ پنجم: تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۲۵. بلعمی، ابوعلی محمد، تاریخنامه طبری، تصحیح محمد روشن، چاپ اول: تهران، سروش، ۱۳۷۷.
۲۶. _____، قیام سید الشهداء حسین بن علی عليه السلام و خون خواهی مختار، به کوشش محمد سرور مولایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ و نیز تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۲۷. تیمی، محمد بن احمد بن تمیم، کتاب المحن، تحقیق یحیی وهیب جبوری، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ق.

۲۸. جعفریان، رسول، علی بن عیسیٰ لرلی و کشف الغمه، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۹. جوان‌آراسته، امیر، «قاضی نعمان و مذهب او»، فصلنامه هفت آسمان، سال سوم، شماره نهم و دهم، ۱۳۸۸.
۳۰. جودکی، حجت‌الله، قیام جاوید: گردانیده مقتل‌الحسین علیهما السلام، چاپ اول: تهران مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.
۳۱. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳۲. خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد، المناقب، تحقیق مالک محمودی، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۳۳. مقتل‌الحسین علیهما السلام، تحقیق محمد سماوی، قم، دار انوار الهدی، ۱۴۱۸ق.
۳۴. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۳۵. _____، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق.
۳۶. رفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن الرسول ﷺ و اهل‌البيت ﷺ، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۳۷. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزغلی بغدادی، تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة، تحقیق حسین تقی‌زاده، [بی‌جا]، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل‌البيت ﷺ، ۱۴۲۶ق.
۳۸. سید ابن طاووس، رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، الملهوف علی قتلى الطفوف، تحقیق و تقدیم فارس تبریزیان (حسنون)، [بی‌جا]، دار الاسوه، ۱۳۸۳.
۳۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، بغیة الوعاء فی طبقات اللغویین و النحاة، چاپ اول: تصحیح محمدامین خانجی، مصر، مطبعة السعادة.
۴۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الامالی، تحقیق مؤسسه البعثه، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ق.
۴۱. _____، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعة المدرسین، ۱۴۰۴ق.
۴۲. طباطبایی، سیدعبدالعزیز، اهل‌البيت ﷺ فی المكتبة العربیه، قم، مؤسسه آل‌البيت ﷺ لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۴۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق مؤسسه آل‌البيت ﷺ لإحیاء التراث، قم، مؤسسه آل‌البيت ﷺ لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۴۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، استشهاد‌الحسین علیهما السلام (به ضمیمه رساله رأس‌الحسین ابن‌تیمیه)، به کوشش و تحقیق سید جمیلی، بیروت، دار‌الکتاب العربی، ۱۴۱۷ق.
۴۵. _____، تاریخ‌الرسول و الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
۴۶. طبری، حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن، الکامل‌البهائی فی السقیفه، قم، مؤسسه طبع و نشر، [بی‌تا].
۴۷. فاسی مکی، تقی‌الدین محمد بن احمد حسنی، العقد‌الضمین فی تاریخ‌البلد‌الأمین، تحقیق فؤاد سید، قاهره، ۱۳۸۷ق.

۴۸. قاضی نعمان مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقیق سیدمحمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴۹. قرشی، عبدالقادر بن ابی الوفاء، الجواهر المصیئه، هند، ۱۳۳۵ق.
۵۰. قفطی، جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف، انباه الرواة علی انباه النحاة، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار الکتب المصریه، ۱۳۷۴ق.
۵۱. قمی، عباس، الکنی واللقاب، تقدیم محمدهادی امینی، تهران، مکتبه الصدر، [بی تا].
۵۲. قیام امام حسین عليه السلام، برگزیده از: کتاب الفتوح، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۵۳. لکنوی هندی، محمد بن عبد الحی، الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیه، [بی جا، بی نا، بی تا].
۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۵۵. مجهول، مقتل الحسین عليه السلام، تحقیق رسول جعفریان، فصلنامه تراثنا، شماره ۶۸، ۱۴۲۲ق.
۵۶. مَحَلّی، حمید بن احمد بن محمد، الحدائق الوردیه فی مناقب الائمة الزیدیه، تحقیق مرتضی بن زید محطوری حسنی، چاپ اول: صنعاء، مکتبه بدر، ۱۴۲۳ق.
۵۷. میزی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، تحقیق بشار عواد معروف، [بی جا]، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ق.
۵۸. مستوفی هروی، محمد بن احمد، ترجمه الفتوح، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۵۹. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۶۰. مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الامم و تعاقب الهمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، چاپ دوم: تهران، سروش، ۱۳۷۹.
۶۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
۶۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بورسعید، مکتبه الثقافه، [بی تا].
۶۳. موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تحقیق اسماعیل اسماعیلیان، قم، مکتبه اسماعیلیان، [بی تا].
۶۴. نیشابوری هندی، میرحامد حسین، عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار عليهم السلام، قم، منشورات مدرسه الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۶ق.